

امام صادق (ع) : تسبیح حضرت فاطمه (س) بر نواز نرزدن بهتر است از نرزان

حضرت رسول خدا (ص) در پاسخ امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) و حضرت زهرا (س) که خدمتکاری درخواست نموده بودند تا آنها را در کارهای دشوار منزل یاری کند، فرمودند: «چیزی به شما پیاموزم که از خدمتکار بهتر باشد؟ هنگام خواب «۴۴ الله اکبر، ۳۳ الحمد لله و ۳۳ سبحان الله» بگویند.»
حضرت فاطمه زهرا (س) سه مرتبه فرمودند: «از خدا و رسولش راضی شدم.»
منابع: ۱- بحار، ۲- معانی، ۳- معارج، ۴- معارج، ۵- معارج، ۶- معارج، ۷- معارج، ۸- معارج، ۹- معارج، ۱۰- معارج، ۱۱- معارج، ۱۲- معارج، ۱۳- معارج، ۱۴- معارج، ۱۵- معارج، ۱۶- معارج، ۱۷- معارج، ۱۸- معارج، ۱۹- معارج، ۲۰- معارج، ۲۱- معارج، ۲۲- معارج، ۲۳- معارج، ۲۴- معارج، ۲۵- معارج، ۲۶- معارج، ۲۷- معارج، ۲۸- معارج، ۲۹- معارج، ۳۰- معارج، ۳۱- معارج، ۳۲- معارج، ۳۳- معارج، ۳۴- معارج، ۳۵- معارج، ۳۶- معارج، ۳۷- معارج، ۳۸- معارج، ۳۹- معارج، ۴۰- معارج، ۴۱- معارج، ۴۲- معارج، ۴۳- معارج، ۴۴- معارج، ۴۵- معارج، ۴۶- معارج، ۴۷- معارج، ۴۸- معارج، ۴۹- معارج، ۵۰- معارج، ۵۱- معارج، ۵۲- معارج، ۵۳- معارج، ۵۴- معارج، ۵۵- معارج، ۵۶- معارج، ۵۷- معارج، ۵۸- معارج، ۵۹- معارج، ۶۰- معارج، ۶۱- معارج، ۶۲- معارج، ۶۳- معارج، ۶۴- معارج، ۶۵- معارج، ۶۶- معارج، ۶۷- معارج، ۶۸- معارج، ۶۹- معارج، ۷۰- معارج، ۷۱- معارج، ۷۲- معارج، ۷۳- معارج، ۷۴- معارج، ۷۵- معارج، ۷۶- معارج، ۷۷- معارج، ۷۸- معارج، ۷۹- معارج، ۸۰- معارج، ۸۱- معارج، ۸۲- معارج، ۸۳- معارج، ۸۴- معارج، ۸۵- معارج، ۸۶- معارج، ۸۷- معارج، ۸۸- معارج، ۸۹- معارج، ۹۰- معارج، ۹۱- معارج، ۹۲- معارج، ۹۳- معارج، ۹۴- معارج، ۹۵- معارج، ۹۶- معارج، ۹۷- معارج، ۹۸- معارج، ۹۹- معارج، ۱۰۰- معارج.

خ طابه

آسیب شناسی زندگی مجاهدانه از منظر عیوب و ارائه سه مدل اساسی جهت ستر عیوب

بیانات آقای اخوت با موضوع سبک زندگی مجاهدانه، پنجشنبه ۳ اسفندماه (قسمت بیست و دوم)

بحثمان راجع به آسیب شناسی زندگی مجاهدانه بود. جلسه پیش درباره موضوع تنازع صحبت کردیم. تکمله ای باید عرض شود؛ انسان ها بسته به وضعیتشان نسبت به خود و دیگران در پنج وضعیت کلی قابل دسته بندی و بررسی هستند:

۱. فردمحور و خودکامه
۲. فردمحور و افسرده و منزوی
۳. فردمحور و خشن
۴. فردمحور و اجتماعی
۵. و جمع محور.

افراد اگر جمع محور باشند، تنازع نمی کنند. اما چهار دسته دیگر نسبت به امر ولی یا بی تفاوتند، یا اختلاف نظر دارند، یا بددل اند، و یا مخالف و مقابله کنند. در نتیجه یک ماتریس چهار در چهار به وجود می آید که می توان توسط آن، انواع تنازع را با مصداق های بیرونی دقیقاً شناسایی کرد.

یکی از بحث های مهمی که در جمع ها به عنوان آسیب خودش را نشان می دهد، نحوه برخورد با عیب ها و رویکرد انسان ها به عیوب است. وقتی یک نفر تهاست، عیب هایش خیلی در چشم نیست اما وقتی در جمع قرار می گیرد، هم عیب هایش به چشم می آید، هم اثر القایی بر دیگران دارد و هم اینکه منجر به محدودیت می شود. باید معلوم شود رویکرد صحیح به عیب ها چگونه است؟ وقتی یک سری عیوب داریم یعنی چه و باید چه کارشان کنیم؟ و اصلاً عیب چیست؟

سه مولفه مهم و مرتبط در بحث عیوب از آیات قرآن به دست می آید که عبارتند از عیب، توان و ابراز. این سه مولفه بسیار به هم مرتبطند. هرچند ممکن است برای شما عجیب باشد که چرا بین عیب، توان و ابراز ارتباط برقرار می کنیم؟ این سه مولفه؛ محدودیت ها، به علاوه قوه، توان و نیرو، به علاوه حولی (به معنی توان این قوه ها برای کار و عمل) است که هر انسانی دارد. حول به همان معنایی که در ﴿لا حول و لا قوه الا بالله﴾ گفته می شود منظور است و یعنی توان تبدیل قوه به کار که اصطلاحاً به آن ابراز می گوئیم.

همه انسان ها توان یا قوه ای دارند که توسط یک سری ابزار درونی تبدیل به فعل و عمل می شوند. هرکسی هم یک جور است. مثلاً اگر یک نفر شنا بلد باشد، می تواند آموزش شنا هم بدهد ولی وقتی بلد نباشد، محدودیت دارد و نمی تواند. در این نقطه، خیلی از نتوانستن ها خودشان را به عنوان عیب

نشان می دهند چون فرد قیلاً درصدد یادگیری به جهت فعال سازی آن توان برنیامده است.

بعضی اوقات عیب ها، محدودیت می آورند. مثلاً وقتی کسی رئیس جمهور می شود، دیگر سبک زندگی اش دست خودش نیست و یک سری محدودیت هایی برایش ایجاد می شود. معصومین (ع) در اکثر دعاها می فرمایند «و اُستر عیوبی»؛ از خدا می خواهند که عیب را بپوشاند و نمی گویند عیبم را برطرف کن. گویی اصلاً خاصیت عیب این است که برطرف شدنی نیست بلکه پوشاندنی است. یک جوری باید بشود که کسی نبیند. یک جایی باید قرار بگیرم که اگر قرار است کسی به واسطه عیب من، آسیب ببیند، این اتفاق نیافتد. هر ویژگی افراد در جمع، اگر سر جای خودش باشد، عیب نیست و وقتی سر جای خودش نباشد، عیب است. به خاطر همین است که طلب ستر می کنیم و می خواهیم جایی نباشیم که به کسی لطمه بزنیم و امنیت دیگران را به مخاطره بیندازیم. مثلاً خیلی ها نباید معلم بشوند، نه اینکه ایراد داشته باشند، اما عیبشان در معلمی آسیب زننده است.

پس عیب فی نفسه اشکال ندارد و تقریباً هر حسنی که انسان دارد، در جایی به عنوان عیب است. مثلاً این که حتما شنیده اید که می گویند: «شما چقدر جنب و جوش دارید! نمی شود یک خرده آرام باشید؟! شما چقدر ساکتید! نمی شود یک خرده حرف بزنید؟! شما چقدر زود صمیمی می شوید! نمی شود یک خرده بس کنید؟! شما چقدر دیر جوش می خورید! نمی شود یک خرده بیشتر با بقیه تعامل داشته باشید؟!». منظور اینکه وقتی افراد در جمع ها وارد می شوند، خدا نکند بخت از آن ها برداشته شود چون همان نقاط قوتشان تبدیل به نقاط ضعف می شود! و این همان حکمت امیرالمؤمنین (ع) است که فرموده اند: وقتی دنیا به شما رو می کند، محاسن بقیه را هم به حساب شما می نویسند و وقتی هم بخت برمی گردد، بالعکس.

حال هر جمعی، ادب و آداب پیدا می کند که اگر این ادب نباشد، لطمه می زند. مثل این است که انسان لباس تو خونه ای پوشیده باشد و سر کار بیاید! خیلی وقت ها، خیلی از کارهایی که می کنیم هیچ اشکالی ندارند، اما مثل لباس تو خونه ای پوشیدن در محل کار است! باید به هر حال لباسی پوشید که فرد را پوشیده نگه دارد. قرآن به این عیوب، سوأت و به پوشاننده آن، لباس و ثوب می گوید^۱ که کارشان

این است که تشخص دهند و بپوشانند. لباس، انسان را برای کاری مهیا می کند که اگر آن لباس را نداشته باشد، دیگر نمی تواند انجامش دهد. پس عیب را نمی توان حذف کرد اما می توان لباس بر آن پوشید و تشخص داد. می توان لباس را تبدیل به ثوب و ریش کرد. مثلاً فردی وقتی حرف می زند، زبانش می گیرد. این عیب را نمی توان حذف کرد اما همین آدم را می توان جایی برد و از او استفاده کرد. پس لطفاً با عیب ها نجنگید! بلکه یک خیاطی درست کنید و جریانی از لباس در نظامات اجتماعی ایجاد کنید. این کار از آداب زندگی مجاهدانه است. باید توان های مختلف افراد را مدیریت کرد و آنقدر تنوع کارها و موقعیت ها را افزایش داد که همه با همه توان هایشان بتوانند ایفای نقش کنند و هیچ کس بیکار نماند. در نتیجه مواجهه با عیوب، آدابی پیدا می کند. به هر حال تا وقتی انسان با کسی دوست نیست او را یک جور می بیند و وقتی نزدیک شد، جور دیگری می بیند. همینطور زن و شوهر به هر حال عیب هایشان مشخص می شود و باید لباس یکدیگر باشند و نباید اسرار هم را هویدا کنند^۲. وقتی عیب را فهمیدیم، باید سر نگه داریم. در زندگی مجاهدانه اولین چیزی که اتفاق می افتد همراهی بین مجاهدان برای انجام کارهاست که عیوب نمایان می شود. وقتی عیب ها جمع می شوند، کم کم تبدیل به طعنه، بعضاً مسخره و گاهی غیبت می شوند. سوره مبارکه حجرات، در مورد آسیب های باهم بودن و مجاهدت، آیات مهمی دارد و سوره خیلی عجیبی است. با تعمق در این سوره، معلوم می شود که زندگی مجاهدانه حداقل سه آسیب اصلی دارد:

۱. غریبی کردن با دیگران و خودی ندانستن آن ها: یعنی در جمع مان کاری کنیم که بعضی ها احساس کنند زیادی هستند. بعضی اوقات همین افراد، نخبه هم هستند و بعضی اوقات این بعضی، خود ولی است. در زمان پیامبر (ص)، امیرالمؤمنین (ع) عنصر زیادی در جمع ها بود! این کار برای همه زشت است و نسبت به افراد عاقل مثل سلمان یا افراد عالم مثل ابن عباس، زشت تر است. در جبهه خودی (التکبر مع المتکبر، عبادة) نداریم! بر فرض که فرد عیب هم دارد، پس باید آن را بپوشانیم و مناطق عملمان قرار ندهیم. حال بحث عیب سازی برای دیگران یا اینکه عیب خودمان را به دیگری نسبت دهیم که، به کنار! اگر بخواهیم همه را اینطوری حذف کنیم، دیگر کسی نمی ماند! وقتی کسی را خودی ندانیم،

عیب‌هایش را می‌بینیم. اگر در خانه از همسر عیب ببینیم، یعنی او را خودی ندانسته‌ام. اما اگر او را خودی ببینم عیبش را نمی‌بینم، یا اگر هم ببینم، آن را می‌پوشانم. چون انسان فطرتاً به پوشاندن مایل است، ولی وقتی کسی را غریبه می‌بیند، دلیلی بر پوشاندن پیدا نمی‌کند، بلکه عیب‌ها رو می‌آیند و حتی خوبی‌ها هم عیب می‌شوند!

۲. مرزبندی کردن و قانون گذاشتن: البته اشکالی ندارد در جمع‌ها قانون بگذاریم اما وقتی تعاریف جامعه به سمت جداسازی‌های کاذب -بالاخص قومیتی و جنسیتی- می‌رود، تبدیل به مرزبندی‌های کاذب می‌شود. در جمع‌ها بعضی اوقات مرزبندی‌ها کاذب است و بعضی اوقات، درست. مرزبندی وقتی براساس توان باشد، اشکالی ندارد اما وقتی بر اساس نظم خودساخته باشد، اشکال دارد. مثلاً بعضی می‌گویند یک سری افراد به شیوه آقای فلانی تدبیر کار می‌کنند اما نمی‌دانیم چرا دستمان نمی‌رود که با آن‌ها کار کنیم! این مرزبندی کردن است و خاصیتش همین است که دست و دلت به سمت کار با دیگران نمی‌رود.

۳. بغض، کینه و محبت نداشتن: وقتی کسی را دوست نداشته باشیم، حتماً عیب‌هایش را می‌بینیم. مثلاً بعضی می‌گویند هر وقت قیافه فلانی را می‌بینیم، بدمان می‌آید! خب مشخص است که او وقتی حرف خوب هم بزند، عیب حساب می‌شود. توجه کردن به عیب دیگران، انسان را به هم می‌ریزد. راهش این است که کاری به عیب بقیه نداشته باشیم و به عیب خودمان مشغول باشیم.

خداوند در سوره مبارکه حجرات به سه مسئله کلیدی اشاره می‌کند که جزو آسیب‌های زندگی مجاهدانه است: ﴿وَأَعْلَمُوا أَن قَدْ مَنَّ اللَّهُ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ إِلَّا هَٰؤُلَاءِ قُلُوبُهُمْ وَ زَيْنَةُ فِي قُلُوبِهِمْ وَ كَرِهَ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْقُسُوفَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾. می‌فرماید ایمان را محبوب شما مومنان قرار داد و آن را در قلب‌هایتان زینت می‌دهد و سه چیز را در قلب‌های شما ناخوشایند می‌داند؛ کفر، فسق و عصیان. مصداق این سه ناخوشایندی‌ها، غریبی کردن، مرزبندی کردن‌های بی‌جا و بغض است که عامل تشدید و هم نتیجه‌شان، کفر، فسق و عصیان است.

• کفر یعنی اعتماد به توان‌های خود و صرف نظر کردن از توان‌هایی که خدا برای جمع در نظر گرفته است که به نوعی پوشاندن توان‌هاست. چون خداوند یک سری از توان‌ها را فقط به جمع می‌دهد و به فرد نمی‌دهد.

• فسق یعنی انسان در مواجهه با توان‌ها و محدودیت‌ها به تعارض برخورد کند و نسبت به آن‌ها ناهنجاری و ناسازگاری نشان دهد. مثلاً وقتی است که در یک حرکت اجتماعی و مجاهدانه، نمی‌توان مسئولیت را به کسی محول کرد، چون با اینکه فرد دوره‌های مختلف را گذرانده اما موقع کار، ناسازگاری می‌کند. اغلب ناسازگاری‌ها، به‌خاطر تعارضات است. با این تعاریف معلوم می‌شود که این آسیب‌ها خیلی دم دست هستند و فکر نکنیم فسق، فقط مربوط به کفار است.

• عصیان یعنی آتش کردن‌های نابجا، برافروختن‌های نابجا، عَمَل زدن‌های نابجا، جوانه‌زدن‌های نابجا، تشکیل جمع دادن‌های نابجا، کار کردن‌های نابجا و شعبه‌زدن‌های نابجا. همه این موارد در مواجهه انسان با عیوب اتفاق می‌افتند. اگر انسان در زندگی مجاهدانه‌اش نسبت به عیوب، دید درستی نداشته باشد، نه او می‌تواند با کسی کار کند و نه کسی می‌تواند با او کار کند، و در نتیجه قدرت تألیف و هم‌گرایی پیدا نمی‌کند. در کل، سه مدل اساسی برای پوشاندن عیوب وجود دارد:

مدل اول: که خود شامل سه مرحله است؛

۱. انسان عیب‌ها را می‌بیند و به روی خودش نمی‌آورد. به این مرحله، عفو می‌گویند.

۲. انسان عیب‌ها را نمی‌بیند و آن را در جای خودش، حُسن می‌بیند. اسم این دیگر عیب نیست بلکه توان است و نشانه‌ای برای یک توان بزرگتر است. به این مرحله، صفح می‌گویند. مثلاً فرد موقع حرف زدن تیپ می‌زند، پس معلوم است که تقوای کلامش زیاد است.

۳. مرحله سوم، غفران است. یعنی افراد با عیب‌هایشان خرابکاری می‌کنند اما یک کاری می‌کنیم که خرابکاری‌ها تبدیل به حُسن شوند.

مدل دوم:

فردی عیب دارد و من فکر می‌کنم که اگر مقداری بهتر بودم، او آن عیب را نمی‌داشت. فکر می‌کنم چه کاری می‌توانم بکنم که این عیب پوشانده شود؟ پس مقصر عیب داشتن او، من هستم. من نتوانستم کاری کنم که عیب او برطرف یا پوشیده شود. مسلماً این عیب من است که او، عیب دارد. این مدل، بسیار کاربردی در خانواده است. یعنی اگر همسر من عیبی داشت، من کاری نکرده‌ام که او عیب دارد. اگر من مهارت‌های زندگی را بلد بودم، او این عیب را نمی‌داشت.

مدل سوم:

باید ساختاری طراحی و تعبیه شود که عیب‌پوش باشد. مثل دادن لباس فرم در مدارس تا همه یک لباس بپوشند و یک دست شوند. مثلاً فرم‌هایی طراحی شوند که معلوم کند هر کسی چه کارهایی بلد است و به نسبت همان توان‌ها، افراد در شاخه خودشان قرار بگیرند و کاری نکنیم که کسی عیبش مشخص نشود.

ما برای زندگی مجاهدانه به هر سه مدل عیب‌پوشی که انواعی از غفران هستند، احتیاج داریم. بحث عیب موضوع جالبی است که اگر روی آن کار شود، در مباحث جامعه‌شناسی بالاخص تشکیل جمع‌ها خیلی مهم است و اغلب جمع‌ها به واسطه همین موضوع بهم می‌خورند. حرفمان این نیست که هرکسی به هر دلیلی برود و با هرکسی کار کند. این هم اشتباه است. نباید افراط و تفریط کرد اما نباید هم به خاطر عیب، کار نکرد، بلکه به‌خاطر مصلحت، قانون و وضع یک نظام می‌شود با کسی کار نکرد. اتفاقاً افراد باید هرکدام سرجای خودشان باشند. نکته این است که اگر کسی کار خودش را نکند، کسانی که نمی‌توانند، آن کارها را

می‌کنند و جای افراد جابه‌جا می‌شود.

پذیرفتن عیب و پوشاندن آن به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم زندگی مجاهدانه است. باید به حکمت و مصلحت خدا شک نکنیم، اعتراض نکنیم، غمگین نشویم و طلب ستر عیوب کنیم. خیلی اوقات نپذیرفتن عیب‌های خود و اینکه انسان خودش را در جای دیگری قرار بدهد، منجر به پایداری حق می‌شود. البته حق مضمحل نمی‌شود بلکه به ظاهر این اتفاق می‌افتد. چون خداوند همیشه نورش را تکمیل می‌کند. وقتی انسان عیب داشت را بپذیرد، به دنبال توان‌ها می‌گردد و برایش مهم می‌شود که توان‌هایش را با دیگران تألیف کند، ولو به اینکه خودش کاری را انجام ندهد.

خوب نیست که انسان عیب‌هایش را احصا کند اما خوب است که عیب‌هایی را که خداوند برایش پوشانده است، احصا کند، چون خوب نیست که لطف‌های خدا را نبیند. بعد می‌فهمد که به عنایت خداوند، او را در موضع‌های بروز عیوب قرار نداده است. یعنی چون از قبل برایش دعا کرده‌ایم و خواسته‌ایم که عیوبمان پنهان باشد، خدا نیز ما را در جایی قرار نمی‌دهد که عیوبمان رو شده و اعتبارمان خدشه‌دار شود! البته اگر یک موقع عیبی را هم رو کرد، نمی‌گوییم عدم ستر کرده است بلکه حتماً پوشانده اما به دیگران نشان داده است که توان ما در این زمینه محدود است و به خدا حُسن ظن داریم که ما را در محدوده بروز عیوبمان قرار نداده است چون ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...﴾ یعنی خداوند توان من را دیده و به اندازه طاقتم به من تکلیف کرده است. پس این دیگر وُسع است، و نه عیب. عیب کلمه خیلی خوشگلی است! سریع فائز را عوض می‌کند و تبدیل به وُسع و طاقت می‌شود. در واقع عیب آن وجهه تشخّص انسان است، وقتی که خودش را در مقابل خدا می‌بیند. انسان هرچه که باشد، در مقابل خدا عیب است. لذا مواظب باشید که هرچه از دیگران می‌بینید، به چشم وُسع و طاقت ببینید و عیب نبینید و هرچه از خودتان در مقابل خدا می‌بینید، عیب پوشیده‌شده ببینید.

اینگونه، آنقدر رابطه با خدا و مردم راحت می‌شود، چون وقتی در دیگران عیب نمی‌بینیم، نسبت به آن‌ها مرزبندی پیدا نمی‌کنیم، بغض نداریم و محبتمان نسبت به آن‌ها کم نمی‌شود. البته اگر کاری باشد و فردی توانش را نداشته باشد، بینی و بین الله، او را معرفی نمی‌کنیم! تفاوت طاقت‌ها در افراد، مأموریت‌های خاص می‌آورد. البته طبق قاعده ﴿لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ طاقت، قابل توسعه است. چقدر افرادی بودند که طاقت‌هایشان کم بوده و ما فکر کردیم که آن‌ها عیب دارند و چقدر ما عیب داشتیم و فکر کردیم که طاقتمان همین قدر است! چقدر از ما عیب بوده و از دیگران طاقت بوده است! چقدر دیگران را بی‌جهت رانده‌ایم! دانستن این نکات، مشق اولیه مجاهدت است و امیدواریم پایه‌ای باشد برای پوشاندن عیوب ما توسط حضرت حجت‌العلیه‌السلام، به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد

۱. ر.ک. مباحث مطرح شده در سه جلسه هیئت ایام فاطمیه توسط

- آقای اخوت، از طریق کانال اولو العلم (https://t.me/ololelm_ir) لباس لَهَن... (بقره: ۱۸۷)
۲. یا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكَ لِبَاسًا يُّوَارِي سَوْآتَكَمْ وَ رِيشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكْ خَيْرٌ ذَلِكْ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (اعراف: ۳۱)
۳. أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةٌ الصَّيَامِ الرَّقْتُ إِلَى نَسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ... (بقره: ۱۸۷)
۴. سوره مبارکه حجرات، آیه ۷
۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَ إِنْ تَعَفَّوْا وَ تَصَفَّحُوا وَ تَغْفَرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (تغابن، ۱۴)
۶. يُرِيدُونَ لِيُطْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ نُورُ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (صف: ۸)
۷. سوره مبارکه بقره، آیه ۲۸۶
۸. سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۷

پرونده

همایش یعنی؛ یک سوره، یک رویکرد و دریایی از ایده!

مصاحبه با خانم پائینی، دبیر همایش سوره مبارکه عادیات توسط مدرسه حمد

مدرسه حمد، صوت‌های موضوعی از اساتید مدرسه قرآن و محتوای تدبیر در سوره در قالب متن و یادکست را آماده کنیم تا مخاطبان آشنایی ذهنی با تدبیر در سوره پیدا کنند.

• درباره کارگاه‌های ایده‌پردازی بفرمایید و اینکه مبنای علمی این کارگاه‌ها بر چه اساسی تعریف شده است؟

کارگاه‌های ایده‌پردازی هنری-ادبی از سوره‌ها، اولین گام آماده شدن برای همایش سوره‌ای است و بر مبنای آخرین روش به‌دست آمده در جلسات ختم مفهومی مدرسه حمد، برنامه‌ریزی می‌شود. علاوه بر ختم مفهومی سوره، از اسفند ۹۵ تا ماه مبارک رمضان امسال اعضای کادر مدرسه حمد جلساتی با استاد اخوت و محوریت موضوع تفکر بلاغی و بعد از آن حدود ۱۵ جلسه مباحثه و پژوهش در این باره داشتند تا به پیش نویس اولیه‌ای از کتاب تفکر بلاغی برسیم.

• آیا توانستید مباحث پژوهشی تفکر بلاغی را به صورت عملی پیاده کنید؟

بله، بعد از ماه مبارک رمضان، سه جلسه کارگاه‌های ایده‌پردازی را با شاخص‌های به دست آمده در مباحثات تفکر بلاغی برگزار کردیم و نسخه ابتدایی کتاب ایده‌پردازی از سوره عادیات، نیز در همان زمان آماده شد. در کارگاه اول، مؤلفه‌های مَثَل، قصص، زبر، احکام و بینه، در قالب متن‌نویسی تعریف شدند. در کارگاه دوم در قالب هنرهای تجسمی و گرافیک و در کارگاه سوم نیز بیشتر به بحث‌های مصداقی پرداخته شد. در فاصله بین برگزاری کارگاه‌ها تا زمان همایش، متدبران مدرسه حمد ایده‌هایشان از سوره را تکمیل و نهایی کردند.

• رویکرد نهایی همایش از اُم تا اُمّت با رویکرد ابتدایی که بیان کردید، متفاوت بود. این تغییر چگونه اتفاق افتاد؟

در جلسات ختم مفهومی پژوهشی (روزهای شنبه)، رویکرد دیگری از سوره بیان شده بود که جامع‌تر و گسترده بود. بحث اُمّت‌سازی با عِلْم فاطمی حاصل ۱۳ جلسه ختم مفهومی توسط استاد اخوت بود. بعد از آن قرار شد که همایش سوره مبارکه عادیات توسط مدرسه حمد و در کنار «طرح جهاد کبیر در دانشگاه‌ها» و گروه «علمداری به سبک فاطمی» قرار بگیرد و برای موضوع کلیدی مجاهدت در سوره، سیری در نظر گرفته شود که از بحث لسان مادر اُمّت (یعنی ادعیه حضرت زهرا علیها السلام) شروع شده و به بحث برنامه‌ریزی محتوای محور در زندگی جهت خروج از انواع کنودی برسد و موضوع امت‌سازی خود غاد «وسطن به جمعا» بین سه موضوع فوق باشد.

• رویکرد جدید اُمّت‌سازی چه تغییری در برنامه‌تان ایجاد کرد؟

در حقیقت این تعریف جدید، ابعاد گسترده‌تری را ایجاد کرد. با بزرگتر شدن مطلب و تغییر شکل کلی موضوع، ما احتیاج به ساخت محصولات دیگری در همین راستا داشتیم. بنابراین چهار جلسه کارگاه تدوین برگزار کردیم که در جلسه اول سناریونویسی بر مبنای تعریف همایش یعنی از موضوع صحیفه تا برنامه‌ریزی و بعد مجاهدت تدریس شد و شرکت‌کنندگان، موضوعاتی را برای بیان این سیر انتخاب کردند. سه جلسه بعدی نیز به آموزش نرم افزارهای تولید محصولات صوتی-تصویری گذشت که حاصل آن بیش از ۱۵ کلیپ بود. کیفیت آثار با توجه به این که کار اول همه اعضا بود، بسیار خوب و خارج از تصور ارزیابی شد.

بعد از آن، زمان بسیار فشرده‌ای برای آماده‌سازی و نهایی کردن کارهایی که قابلیت ارائه در همایش و ثبت بر روی سی دی را داشته باشند، گذاشته شد. برای برگزاری همایش، با توجه به تعدد کارها چند سناریو محتمل برای اجرا در نظر گرفتیم تا گروه جهاد کبیر نیز قابلیت مانور

• در هفته‌ای که گذشت مدرسه حمد (ادب، هنر و رسانه) همایش «از اُم تا اُمّت، در بستر سوره مبارکه عادیات» را برگزار کرد. در ابتدا لطفاً شرحی از این نوع همایش‌ها را بفرمایید.

حتما همه دوستان انواع همایش‌های دانشگاهی را از یک ارائه کلاسی تا یک همایش دانشگاهی یا بین‌المللی دیده و تجربه کرده‌اند اما بحث همایش‌های مدرسه قرآن و عترت علیهم السلام از ابتدا در شکل و اجرا متفاوت است و به طور کلی همایش‌های قرآنی چند سطح مختلف دارند:

- کارگاه‌های ایده‌پردازی: که تمرینات پایان ترم‌های تدبیری است.

- همایش‌های درون مدرسه‌ای: که برای مخاطب داخل مدرسه قرآن و با ادبیات رایج در آن تعریف می‌شود.

- همایش‌های عمومی در دانشگاه‌ها: که برای مخاطب بیرونی و دانشگاهی تعریف می‌شود و منظر عمومی دارد.

- همایش‌های تخصصی در دانشگاه‌ها: که هر مدرسه تخصصی با توجه به ساختار خودش برای جامعه علمی مربوط به خودش برگزار می‌کند.

این تقسیم‌بندی بر اساس مخاطب می‌باشد و تقسیم‌بندی دیگری هم بر اساس مدل اجرا وجود دارد، یعنی همایش‌ها می‌توانند سوره‌محور، موضوع‌محور و یا روش‌محور باشند، که در اجرا می‌توان دو تا یا سه مدل فوق با هم ترکیب شوند.

• تعریف شما از یک همایش قرآنی چیست؟

آن چیزی که سلول بنیادی یک همایش قرآنی را می‌سازد، روش‌های تدبیر قرآن است که کل بنای یک همایش بر اساس آن شکل می‌گیرد. یعنی ساختار هر سوره‌ای تعیین می‌کند که همایش به چه شکلی اجرا شود. در واقع نگاهی که باید به یک همایش قرآنی داشت، یک جلسه تدبیر در سوره است، و نه صرف ارائه کار دوستان متدبیر که نتیجه کار پایان ترمشان را می‌خواهند به دیگران نشان دهند. از دیدگاه ما اگر در همایش، تدبیر سوره گفته نشود، تضعیع حق مخاطبان است. پس اگر این نگاه درست وجود داشته باشد، در چیدمان و اجرای همایش، انتقال تدبیر و فهم سوره، موضوع اصلی می‌شوند و همایش تبدیل به یکی از اشکال آموزش تدبیر خواهد شد که در کنارش دو مسئله مهم جذابیت و خلاقیت هم برقرار خواهند بود.

• لطفاً خلاصه‌ای از سیر علمی و عملی را که برای همایش در پیش گرفتید، بفرمایید.

ما در همایش سوره مبارکه عادیات چند مرحله را در نظر گرفتیم که در طول زمان و تجربیات قبلی به ایده آن رسیدیم و الان سیر خوبی برای اجرای یک همایش داریم. به نظرم می‌رسد شاید به یک قالب اصلی رسیده باشیم، هر چند برای تکامل و پیشرفت شکل کار، مسیر طولانی در پیش است.

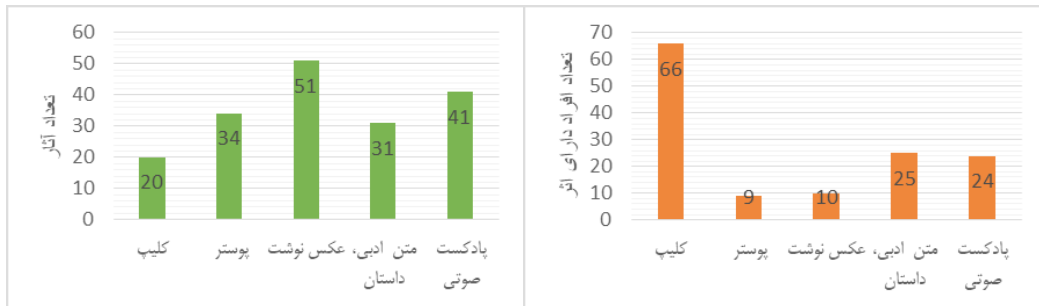
بعد از جلسات ختم مفهومی سوره مبارکه عادیات، صوت‌های موضوعی آن استخراج شد و شکل کلی آنچه قرار است گفته شود، معین شد. محوری که در آن مرحله در نظر گرفتیم، آداب مجاهدت در سوره مبارکه عادیات بود. زمان همایش را پایان تابستان در نظر گرفته بودیم که مصادف با آغاز سال تحصیلی، ایام محرم و هفته دفاع مقدس بود و ارتباط زمانی را با موضوعمان برقرار می‌کرد. در همایش قبلی کارگاه‌هایی به نام ایده‌پردازی هنری-ادبی از سوره، برگزار می‌کردیم که با آخرین روش‌های به‌دست آمده در جلسات ختم مفهومی مدرسه حمد، به ایده‌پردازی از سوره نزدیک می‌شدیم.

در همایش‌های قبلی متوجه یک خلاء شده بودیم و آن، آشنا نبودن مخاطبان همایش با تدبیر در سوره بود. برای پر کردن این خلاء، تصمیم گرفتیم تا فاصله برگزاری کارگاه، در کانال تلگرامی

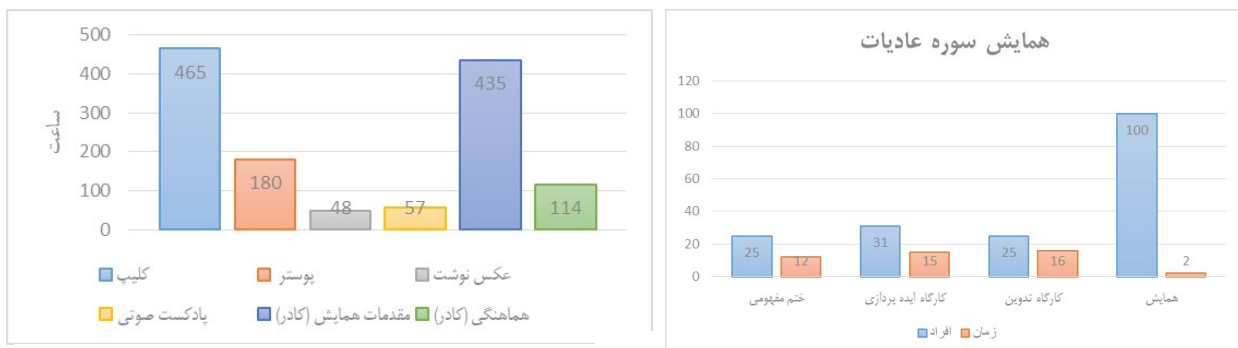
زیادی در دانشگاه های مختلف را داشته باشد و یک سناریو هم برای همایش در دانشگاه تهران در نظر گرفتیم تا بحث کارآمدی نظام را آن چنان که هست، نشان بدهیم.

• به نظران کیفیت و کمیت آثار تولیدی برای همایش چطور بود؟

توضیحات درباره تولیداتی که در سی دی همایش گذاشته شد، بسیار مفصل است، اما به طور خلاصه آمارهایی وجود دارد که در نمودارها قابل مشاهده اند. البته در کنار کارهای دوستان، کتاب ایده پردازی از سوره مبارکه عادیات و سی دی آثار هم برای ارائه آماده و منتشر شدند.



نمودار ۱. نسبت تنوع قالب های آثار به تعداد آن ها و افراد سازنده



نمودار ۳. نسبت بین قالب های آثار و میزان زمان صرف شده جهت تولید آن ها

نمودار ۲. نسبت زمان صرف شده در برنامه های همایش به تعداد افراد شرکت کننده

در نگاهی رو به گذشته، برگزاری چنین همایشی به خاطر پیشرفت هایی که حاصل شده، بسیار سرورکننده است، و در نگاه رو آینده و مقایسه کاری که اجرا شد با آنچه که باید برای امت سازی اسلام اتفاق بیافتد، حالتی از برخاستن از قبر را دارد و دویندی که ما را به اصحاب عادیات برساند. وقتی کاری تمام می شود، سختی هایش کم رنگ شده و تبدیل به درسی برای آینده می شود و حلاوت آن، رزق برخاستن برای کار بعدی است.

شاید کاری که انجام شد، بتواند کمک کند تا دوستانمان در دیگر مدارس تخصصی، ایده بگیرند و یا در مسیرشان سهولتی اتفاق بیافتد. تمامی فایل ها و مستندات اجرای این همایش آماده بوده و هر که بخواهد در اختیارشان قرار می گیرد. امیدواریم به زودی شاهد کارهایی باشیم که با ظرفیت چند ده برابری، پرچمی را بلند کنند که بتواند همه امت اسلام را تحت لوای خود قرار دهد، إن شاء الله.

کوچکی از آثار همایش و هم چنین ایجاد بستری مناسب برای ارائه به مخاطبان دور از مدرسه قرآن و معرفی آثار در سطح عمومی تر جامعه بود که در دو هفته اخیر، حدود ۶۶۰ بازدیدکننده داشته است.

به جرأت میتوان گفت که ایده همایش مجازی، فارغ از کمیت و کیفیت آثار آن، خود موضوعی بکر بوده است. کلیپ های انتخابی حداقل استانداردهای لازم را داشتند و پتانسیل مخاطب پسندی را دارا بودند. یکی دیگر از اهداف ما امکان ارائه آثار و ارتباط گیری با افراد در شهرستان ها بود که این هدف، به علت عدم تبلیغ مناسب یا مواردی دیگر، چندان حاصل نشد و در واقع ضریب نفوذ این حرکت را نتوانستیم بسنجیم.

• کلام آخرتان را درباره مسیری که پیموده اید، بفرمایید.

ابتدای و آخر کلاممان، شکر است به خاطر چنین رزق مبارکی که نصیبمان شد و توفیقی که خدا به ما داد تا در کنار کسانی باشیم که این اتفاق را با نیت های مخلصانه شان رقم زدند.

• برای تولید چنین حجمی از آثار چه مقدار زمان صرف شد؟ تخمین واقعی زمان چندان ساده نیست چون گاهی مقدمات انجام یک کار، از انجامش بیشتر طول می کشد یا هماهنگی هایی که لازم است انجام شود، همیشه تخمینی است و بیشتر اوقات هم بیشتر از انتظار می باشند. با این حال آماري که به تقریب داریم، در نمودار سوم قابل مشاهده است.

• قبل از برگزاری همایش اصلی یک همایش مجازی هم برگزار کردید. نمونه قبلی برای این کار داشتید یا تجربه ای جدید بود؟

مدرسه حمد ابتدای اسفندماه، یک همایش مجازی در بستر سایت مدرسه قرآن برپا کرد که شامل سه محور مجاهدت و سوره عادیات، زبان مادر و معرفی صحیفه فاطمیه و امت سازی بود که برای هر کدام کلیپی به عنوان مصداق ارائه شد. علاوه بر موارد فوق، نمایشگاه مجازی پوستر، بررسی تدبیری سرودهای حماسی و معرفی محصولات نیز بر روی سایت قرار داده شد. هدف از ارائه چنین فضایی، رونمایی

۱. <https://t.me/madresehamd>



صاحب امتیاز | احمد رضا اخوت
زیر نظر | هیأت سر دبیره
مدیر مسئول | فاطمه سادات شریعتمدار
هیأت تحریریه | دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (کاشفیون)

کانال اطلاع رسانی
مجمع مدارس دانشجوی قرآن و عترت
@QuranEtratSchool

